نشانه‌شناسی شخصیت امام رضا (ع) در «هاچین و واچین» زهرا داوری بر پایة نظریة فیلیپ هامون

خلیل بیگ‌زاده، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی(نویسندة مسئول): kbaygzade@yahoo.com

پریسا احمدی، دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی: parisaahmadi66@yahoo.com

**دریافت:20/9/1398**

پذیرش:13/12/1398

چکیده

فیلیپ هامون، نشانه‌شناس فرانسوی، شخصیّت را عنصری نشانه‌ای دانسته و بر این اساس، مبانی نظری نشانه‌شناسی شخصیّت را تبیین کرده‌ است، چنانکه نشانه‌شناسی ادبی شخصیّت، ارتباط میان مؤلف، متن و خواننده را می‌کاود و هدف اصلی آن یافتن مناسبت میان تصویر (دالّ) و تصوّر (مدلول) است. ادب عامه (شفاهی) با جلو‌ه‌های گوناگونش بازتاب فرهنگ و اندیشۀ مردم است و ترانه‌های کودکانه از گونه‌های ادب شفاهی است که گاهی سیمای شخصیت‌های مذهبی را با هدف الگوسازی تربیتی- اخلاقی ترسیم می‌کند. سیمای عملی و سجایای اخلاقی امام رضا (ع) الگویی متعالی برای کودکان است و زهرا داوری با بهره‌گیری از شخصیّت حضرت در ترانه‌های کودکانة «هاچین و واچین» الگوسازی کرده و گامی مهمّ برای پیشرفت تربیتی و اخلاقی کودکان برداشته ‌است. این پژوهش با هدف تبیین سیمای امام رضا (ع) در «هاچین و واچین» زهرا داوری بر اساس نظریة نشانه‌شناسی شخصیّت فیلیپ هامون با رویکردی توصیفی تحلیلی انجام شده و سیمای امام رضا (ع) را از حیث دالّ (نام، جایگاه نحوی و بعد بلاغی) و مدلول (صفات، کنش گفتاری و کنش رفتاری) بررسی و تحلیل کرده‌است، چنانکه دستاورد پژوهش نشان می‌دهد، درک مناسبی از شخصیّت امام رضا (ع) و کارکرد داستانی آن با استفاده از دانش نشانه‌شناسی شخصیّت فراهم شده‌ است؛ یعنی داوری سیمای عملی و سجایای اخلاقی امام رضا (ع) را با استفاده از زبان عامیانه و بیان کودکانه به مخاطب (کودکان) شناسانده ‌است.

کلید واژه‌ها: امام رضا (ع)، نشانه‌شناسی، فیلیپ هامون، ترانه‌های کودکانه، زهرا داوری، هاچین و واچین.

1. مقدمه

نشانه‌شناسی دانشی است که نشانه‌های یک نظام زبانی یا غیرزبانی را تحلیل می‌کند و از قرن بیستم گسترش یافته‌ و بر پایه دالّ، مدلول و دلالت استوار است. شالودۀ این دانش را فردینان دو سوسور[[1]](#footnote-1) (1857- 1913)، زبان‌شناس سوئیسی و چارلز ساندرس پیرس[[2]](#footnote-2) (1839- 1914) فیلسوف آمریکایی بنا نهادند(عیاشی، 1429ق: 33). پایه‌های دانش نشانه‌شناسی شخصیّت و «کارکردهای شخصیّت، میراث مهم رویکردهای اولیة ساخت‌گرایی و صورت‌گرایی بوده‌است؛ کاری که با پژوهش پراپ[[3]](#footnote-3)  دربارۀ قصه‌های عامیانه آغاز شد و کاربرد روش نشانه‌شناسی را گسترش داد(استون و ساوانا، 1382: 50). ادبیات عامه در واقع با نشانه‌شناسی ادبی شخصیّت پیوندی دیرینه دارد و توانسته است به رمز و نشانه‌های این گونة ادبی دست یابد و آن را وسعت بخشد. فیلیپ هامون[[4]](#footnote-4) نشانه‌شناس فرانسوی از موفقّ‌ترین نظریه‌پردازان نشانه‌شناسی است که بر اساس مؤلفه‌های نام، کنش‌های گفتاری و رفتاری (کارکرد بازیگرانه) و توصیف به شناسایی شخصیّت پرداخته است.

اهمیّت شعر کودک و نوجوان در دورة معاصر روز‌به‌روز بیشتر شده و شاعران، نویسندگان، کارشناسان فرهنگی و تربیتی بیشتر بدان می‌پردازند. کودکان و نوجوانان آینده‌سازان جامعة بشری هستند و ضرورت آموزش و تربیت آنان بر اساس فرهنگ پویای اسلامی و انتقال آموزه‌های آن بیش از هر زمان دیگری احساس شده‌ و آثار ارزندة بسیاری دربارۀ جایگاه و اهمیت ادبیات کودک و نوجوان در جهان فراهم آمده‌ که بیانگر نقش مهم و سرنوشت‌ساز این‌گونۀ ادبی است؛ امّا در طلیعة شعر آیینی ادبیات فارسی که به قرون سوم و چهارم باز می‌گردد تا امروز در ساحت ادبیات کودک و نوجوان، چندان به این گونة ادب آیینی کودک و نوجوان پرداخته نشده ‌است. اگر چه برخی معتقدند، نمونه‌های شعر تعلیمی در ادبیات فارسی نشانگر توجه شاعران به کودکان و نوجوانان بوده‌است. البتّه در این گونة ادبی با اشعاری روبه‌رو هستیم که سرایندة آن مشخص نیست و بخشی از این آثار به نواحی مختلفی از کشور مربوط است که عنصر زبان، لهجه و دیگر ویژگی‌های منطقه‌ای باعث گردیده در گروه آثار فرهنگ و ادب عامه (فولکلوریک) طبقه‌بندی ‌شود(شرف‌شاهی، 1394: 5).

شخصیّت از عناصر کلیدی در شعر و داستان است و شعر کودک به اقتضای پیامی که به کودک ارائه می‌دهد، از شخصیّت‌ها بهره می‌برد. در شعرهای کودکانه، شخصیّت‌ها برای جلب توجه کودک مطرح می‌شوند و هدف اصلی، پیامی است که توسط آن‌ها به مخاطب منتقل خواهد شد(محمدی رفیع، 1384: 56). یکی از اهداف مهمّ و عمیق ادبیات کودک در ایران بعد از انقلاب اسلامی، بیان مسائل دینی و مذهبی است. «تفکر و اندیشه در جهت اعتقاد به باورهای ایدئولوژیک و به ویژه مذهبی یکی از محورهای اساسی در شکل‌گیری اندیشۀ خاص در شعر کودک و نوجوان در کشور ایران است»(سیدرضایی و حسنی، 1390: 80). گونه‌های شخصیّت برای بشریّت به ‌طور عام و گروه سنی کودکان به ‌طور ویژه نقشی بسزا داشته و الگویی ارزشمند هستند. شخصیّت مذهبی از گونه‌های شخصیّتی است که نقشی مهم در تربیت فردی و اجتماعی کودکان دارد؛ چنانکه ارزش‌ها و خواسته‌های خانواده و جامعه از طریق شخصیّت‌های الگویی به کودکان منتقل می‌شود.

سیمای شخصیّتی و ویژگی‌های زندگانی اهل بیت (ع) که آنان را از دیگران ممتاز می‌کند، شایستگی رهبری جامعه و حقّ تعلیم و تربیت آنان است؛ چنانکه امام رضا (ع) بر علوم، معارف، کرامات و ... اشراف کامل داشته و همواره الگویی سازنده برای کودکان است. داستان زندگی امام رضا (ع)، هجرت از مدینه به ایران، ضمانت آهو، مناظره با بزرگان قبایل و فحول ادیان غیر اسلامی، کرامات و ... حضرت باعث پیدایش گونه‌های ادبی مانند قصّه‌ها و سروده‌های کودکانه شده‌‌ است. حضور امام رضا (ع) در ایران و نقش مؤثر حضرت در زندگی مردم عامی باعث گردیده که ادبیات شفاهی این مرز و بوم نیز متأثر از آن باشد، چنانکه این تأثیر در ادب عامة کودک و نوجوان، به ‌ویژه ترانه‌های کودکانه دیده می‌شود. مجموعة سروده‌های «هاچین و واچین» زهرا داوری از مجموعه‌های بی‌نظیری است که توصیف بخشی از ویژگی‌های شخصیّتی امام رضا (ع) و حرم مطهر در آن آمده و شاعر صفات امام رضا (ع) را چون جود، مهربانی، لطف همگانی، شفاعت، کرامت و ... گاهی با استفاده از نشانه‌ها و گاهی مستقیم و گاهی غیر مستقیم در ترانه‌های هاچین و واچین آورده ‌است. این پژوهش شخصیّت امام رضا (ع) را در ترانه‌های کودکانة هاچین و واچین زهرا داوری در چارچوب نظریة فیلیپ هامون با رویکردی توصیفی تحلیلی بررسی و تحلیل کرده که داوری چگونه دغدغه‌های ذهنی کودکان را در شناسایی یک الگوی متعالی پاسخ داده و این امر با توجّه به کنش‌های رفتاری و گفتاری شخصیّت امام رضا (ع) چطور تبلور یافته ‌است.

ترانه‌های کودکانه چنان بخشی از ادبیات شفاهی نقشی اساسی در تربیت فکری و رشد فردی و اجتماعی خردسالان و کودکان دارد، چنانکه الگوهای شخصیّتی از زاویة اصول روان‌شناسی کودک از مؤلفه‌هایی است که در ادبیات شفاهی با زبانی و بیانی مورد پسند کودکان و خردسالان توصیف شده ‌است. بنابراین، ویژگی‌های این الگوهای شخصیّتی و دریافت نشانه‌های آن‌ها درک صحیح و مناسبی به گروه سنی خردسالان و کودکان می‌دهد و موجب رشد فکری و تربیتی آن‌ها خواهد شد. بر این اساس، پژوهش پیش روی مهمّ و ضروری است، چون شاعر عشق و محبت امام رضا (ع) را با استفاده از ترانه‌های کودکانه در خردسالان و کودکان نهادینه کرده و هدف ترانه‌هایش را با توصیف الگویی مناسب معطوف به تربیت مخاطب کرده ‌است.

پژوهش‌هایی در متون مقدّس و ادبی با تکیه بر نظریة فلیپ هامون (نشانه‌شناسی ادبی شخصیّت) انجام شده که عبارت است از: «ساختار نشانه‌ای شخصیّت حضرت مریم (س) در قرآن کریم» از طاهری‌نیا و حیدری (1393) که رمزگان متن، نام‌شناسی، توصیف‌ها، کنش گفتاری و رفتاری حضرت مریم (س) را در قرآن کریم بررسی و تحلیل کرده و نشان داده‌ است، شخصیّت حضرت مریم (س) عامل لطافت و انعطاف‌پذیری برای مخاطب است. «نشانه‌شناسی ادبی شخصیّت فرعون در قرآن کریم» از عامری و دیگران (1395)، شخصیّت فرعون را بر اساس نظریة فیلیپ هامون بررسی کرده که دستاورد پژوهش آگاهی از شخصیّت فرعون و هم‌سویی وی با کارکرد داستانی و نیز دریافت شناخت و درک عمیق این شخصیّت است. «نشانه‌شناسی شخصیّت» از الین استون و جرج ساوانا (1382) که انواع شخصیّت را در تئاتر بر اساس نظریة نشانه‌شناسی ادبی تحلیل کرده و به تحلیل شخصیّت و ویژگی‌های آن از نظر دالّ و مدلول در آثار برتر جهان پرداخته ‌است. «نشانه‌شناسی ادبی شخصیّت زنان در قرآن کریم» از حیدری (1391) که نشانه‌شناسی شخصیّت زنان را بر اساس نظریة فیلیپ هامون در قرآن کریم بررسی و تحلیل کرده ‌است.

1. بحث و تحلیل

2-1. نشانه و نشانه‌شناسی شخصیّت

نشانه[[5]](#footnote-5) به معنای علامت است که فردینان دو سوسور آن را از طریق مقوله‌های دالّ[[6]](#footnote-6) و مدلول[[7]](#footnote-7) توضیح می‌دهد. وی عقیده دارد که «ترکیب مفهوم و صورت آوایی مجموعه‌ای به نام نشانه را به وجود می‌آورد. مفهوم، معنی یا مدلول و صورت آوایی، لفظ یا دالّ نامیده می‌شود»(دینه سن، 1380: 26). نشانه بر معنای غایبی دلالت می‌کند که در متن حضور ندارد و یک چیز دیگر به وسیلة آن معرفی می‌شود. هر چند گاهی هیچ ارتباط معنایی بین لفظ و معنا وجود ندارد؛ امّا در هر جامعه بر اساس قراردادهای وضعی، هر لفظ نشان ‌دهنده معنایی است. از جمله ویژگی‌های بارز نشانه، صراحت نداشتن و غیر مستقیم بودن آن است؛ یعنی صورت کلام در نشانه‌شناسی مد نظر نیست، بلکه مفهومی فرا واژگانی را باید کاوید و این امر از رازهای پیچیدگی دانش نشانه‌شناسی است. بر این اساس، نظریه‌پردازان، مبحث دالّ و مدلول و ارتباط این دو را مطرح کرده‌اند، اگر چه گاهی مدلول‌ها به طور مستقیم، دلالت واضحی بر دالّ نداشته باشند(طاهری‌نیا و حیدری، 1393: 47). مطالعات نشانه‌شناختی شخصیّت نشان می‌دهد که هر شخصیّتی، صورتی از یک شخص بشری یا غیر بشری با ویژگی‌های چند وجهی است و پژوهشگر در دنیای نشانه‌ها، تمام عناصر بیرونی و روانی شخصیّت، نام، نوع پوشش، کارکرد، نسبت اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک را بررسی می‌کند؛ چنانکه شبکۀ ارتباطی بین شخصیّت‌ها را نیز مطالعه می‌کند و از طریق نام و سن به نشانه‌شناسی شخصیّت می‌پردازد(عامری و دیگران، 1395: 147).

فیلیپ هامون، نشانه‌شناس فرانسوی، شخصیّت را عنصر نشانه‌ای دانسته و مبانی نظری نشانه‌شناسی شخصیّت را تبیین کرده ‌است. وی شخصیّت را مفهومی نشانه‌شناختی و مجموعه‌ای منسجم از رفتارها و ویژگی‌ها می‌داند و در شرایطی به نشانه‌شناسی شخصیّت می‌پردازد ‌که اشراف کاملی به متن داشته و نشانه‌ها را شناسایی کرده ‌است. بنابراین، وی شخصیّت‌های متن را در مقابل همدیگر قرار می‌دهد و بین آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند تا از این طریق به هویّت شخصیّت پی ببرد. هامون، شخصیّت را نشانه‌ای می‌داند که از دالّ و مدلول تشکیل می‌شود. چنانکه می‌گوید: «شخصیّت، مجموعه‌ای هماهنگ از نظام‌های برنامه‌ریزی شده ‌است که پی‌بردن به هویت وی در گرو خوانش متن است»(هامون، 1990: 2 به نقل از طاهری نیا). نشانه‌شناسی ادبی یافتن مناسبت میان تصویر (دالّ) و تصور (مدلول) است و هدفش در نهایت کشف مناسبتی است میان آنچه نویسنده ارائه و خواننده فهمیده یا تأویل کرده‌است(احمدی، 1375، ج1 : 6)؛ یعنی نشانه‌شناسی ادبی با بررسی مناسبت‌های مذکور و کشف ارتباط میان آن‌ها می‌کوشد تا به معانی و مفاهیمی ورای این مناسبت‌ها دست یابد، اگرچه نشانه‌های زبانی معنی قاموسی لفظ مد نظر است(طاهری‌نیا و حیدری، 1393: 48).

2-2. الگوی فیلیپ هامون

فیلیپ هامون نشانه‌شناسی ادبی شخصیّت را در سه ساحت بررسی کرده‌ که عبارت است از: شخصیّت به مثابة دالّ، شخصیّت به مثابة مدلول و سطوح تحلیل شخصیّت(عامری، 1395: 148). شخصیّت به مثابة دالّ بر نام تأکید دارد و نام در شخصیّت به مثابة دالّ از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ اسم خاص (علم) به عقیده هامون دالّ اصلی در شخصیّت است، چون اسم خاص ویژگی‌ها و پایه‌های نشانه‌ای شخصیّت را آشکار می‌سازد. همچنین فیلیپ هامون شخصیّت دالّ را علاوه بر اسم خاص (علم) از طریق ضمیر و تأکید بر بعد بلاغی آن بررسی کرده‌ است، چنانکه ضمیر در تکوین و تشکیل شخصیّت داستان، نقشی ضعیف‌تر از اسم خاص (علم) ایفا می‌کند. اسم خاص در داستان باعث تمایز روشن شخصیّت‌ها از یکدیگر می‌شود و نیز اسامی خاص در بعد بلاغی برای اشاره، رمز و هنجارشکنی استفاده خواهد شد(عامری و دیگران، 1395: 149). به ‌طور کلی می‌توان ویژگی‌ها و صفات یک شخصیّت را مانند امام رضا (ع) بر اساس نشانه‌شناسی ادبی شخصیّت بررسی کرد و لایه‌های عمیق درونی وی را شناخت و مجموعه رفتارهایش را چنان الگو و سرمشق به‌کار گرفت.

هامون شخصیّت مدلول را از طریق بیان ویژگی‌ها و کارکردهای آن توضیح ‌داده و به سه دسته تقسیم کرده ‌است: الف. صفات و کارکردهای شخصیّت (جنسیت، اصلیّت جغرافیایی، جهان‌بینی، ثروت و کارکردهای شش‌گانه که عبارت است از: یافتن‌کمک، سپردن امور به دیگران، عقد پیمان، دست‌یافتن به اطلاعات، یافتن آنچه مورد نیاز است و رویارویی موفق، ب. ارتباط شخصیت‌ها با یکدیگر، ج. طبقه‌بندی شخصیّت‌ها(عامری و دیگران، 1395: 148). همچنین هامون با هدف بررسی تردد و میزان حضور شخصیّت‌ها و بر اساس معیارهای کمی و کیفی یک تقسیم‌بندی ارائه می‌دهد تا به میزان تراکم، تواتر و تکرار شخصیّت‌ها پی ببرد. شخصیّت در این تقسیم‌بندی طبق عناوین صفت واحد، صفت مکرّر، احتمال واحد، احتمال مکرر، کنش واحد و کنش مکرر بررسی می‌گردد(حمداوی، 2015: 62). بنابراین، شخصیّت به مثابة مدلول از طریق کارکردها و صفت‌هایی بررسی شده‌ است که در داستان از آن‌ها برخوردار است.

2-3. معرفی زهرا داوری و ترانه‌های «هاچین و واچین»

زهرا داوری، شاعر کودک و نوجوان بجنوردی از شاعرانی‌ است که سال 1395 با اثر «هاچین و واچین» در جشنوارۀ تولید کتاب رضوی کودک و نوجوان حائز رتبة نخست شد. از عناوین ادبی او می‌توان نامزدی هشتمین جشنوارة بین‌المللی شعر فجر بخش کودک سال ۹۳ و ۹۴، برگزیدة کتاب سال ناشران ایران، برگزیده جشنوارة سراسری کتاب سال دفاع مقدس و برگزیدة جشنوارة ملی ادبیات کودک شیراز را نام برد. ایشان می‌گوید: «سال‌ها همسایه امام رضا (ع) بودم و ارتباط قلبی خاصی با ایشان داشتم، حرف‌هایی که در شعرهایم زده‌ام درد دل‌های خود من بوده‌اند که ناخودآگاه به رشتة تحریر در می‌آمدند و خیلی‌هایشان جوششی بودند نه کوششی. تصمیم گرفتم مجموعه‌ای برای خردسالان کار کنم، چون مجموعة رضوی در ردة سنی خردسال کمتر دیده بودم یا شاید ندیده بودم. ترانه‌های این مجموعه با عباراتی مثل «هاچین و واچین»، «ادوده و مدوده»، «اتلک تی تتلک»، «اتل متل» و در حقیقت با هیچانه‌ها آغاز شده‌اند تا ریتمیک‌تر و شادتر باشند(داوری، 1395: 1).

زهرا داوری مضامین فانتزی کودکانه را با استفاده از وزن تند و کوتاه ترانه‌های عامیانه و استفاده از نام‌آواها در مجموعة شعری «هاچین و واچین» بیان کرده و عناصر اقلیمی سرزمین مشهد مقدس و بارقة عشق رضوی را از زاویة نگاه کودک سروده ‌است. این مجموعه شامل 18 سروده است که غالباً در یک وزن و در قالب مثنوی سروده شده و به دلیل استفاده از اوزان مشهور در ترانه‌سرایی و بازی‌های کودکانه به ‌آسانی در ذهن نقش بسته و بر زبان کودکان جاری خواهد شد. نگاه به فرهنگ عامه از ویژگی‌های آشکار و مؤثر ترانه‌های «هاچین و واچین» زهرا داوری است؛ چنانکه عوامل و عناصری چون پیوند فعالیّت‌های روزانه مانند قالی‌بافی و ارتباط معنوی با درگاه شخصیّت‌های الگویی و مثالی، واژگان مهرآمیز اتباعی مانند السون و ولسون برای بازگویی قصّه‌ها و شعرهای کودکانه و نیز کاربرد و کارکرد واژه‌های عامیانه و زبان محاوره مانند «آقا» برای شخصیّت مثالی امام رضا (ع) از ویژگی‌های ساختاری آن است: «السون و ولسون/ قالی‌بافه مامان‌جون/ نخش کلاف کلافه/ قالی باهاش می‌بافه/ وقتی تموم شه فردا/ هدیه میده به آقا»(داوری، 1395: 8). چنانکه دیده می‌شود، مشخصۀ اصلی این مصرع‌ها توجه ویژه به سیمای امام رضا (ع) است که چنان الگویی متعالی برای کودکان معرفی شده ‌است. این جستار شخصیّت امام رضا (ع) را که نشانه و رمزی برای کودکان است، در سروده‌های داوری بر اساس الگوی هامون تحلیل کرده ‌است.

2-4. ساختار نشانه‌ای شخصیّت امام رضا (ع) در هاچین و واچین

زهرا داوری با بهره‌گیری از آنچه سیره و سیمای امام رضا (ع) را تشکیل می‌دهد، آفرینندة ترانه‌های کودکانه بوده و عشق و عاطفة دو جانبة حضرت و کودکان را با زبانی هنری و مورد پسند کودکان سروده ‌است. کاربرد ترکیب‌های اتباعی مانند انوره و منوره از ویژگی‌های زبانی ادب شفاهی است که بافت متنی را برای یادگیری کودک صمیمی کرده و نیز استفاده از ضمایر پرسشی راهی مناسب برای پیوند فکر کودک با سیمای امام رضا (ع) است؛ چنانکه در این رویکرد ویژگی‌هایی چون مهربانی، عظمت و کرامت امام رضا (ع) برای کودک آشکار می‌شود: «انوره و منوره/ امام رضا چه جوره؟/ بزرگ و مهربونه/ جاش توی آسمونه/ خواب نداره، بیداره/ خیلی هوامو داره(داوری، 1395: 4).

داوری با زبانی کودکانه و مورد پسند عامه، عاطفة والا و نگاه مهربانانة امام رضا (ع) را در ترانه‌هایش سروده و به مخاطب نشان داده و از اعتقادات عامه مانند نوشتن نامه بهره برده و این امر نشانة امیدواری است که شاعر با بیانی هنری و شاعرانه در حدود ذهن و زبان کودکان سروده ‌است. شاعر سعی کرده ‌است که شخصیت مهربان و صاحب کرامت امام رضا (ع) را به کودک بشناساند؛ در واقع یک کودک با شنیدن لحن و کلامی صمیمی «آی تشتی تشتی تشتی» می‌داند که امام رضا (ع) به همگان لطف و کرم خواهد داشت: «اون می‌خونه زود زود» و نیز: «آی تشتی تشتی تشتی/ تو نامه چی نوشتی؟/ بندازش اون و این‌جا/ توی ضریح آقا/ هر چی که تو نامه بود/ اون می‌خونه زود زود»(همان: 13).

2-4-1. شخصیّت امام رضا (ع) به مثابة دالّ در هاچین و واچین

حاکمیّت معنوی امام رضا (ع) بر دل انسان‌های شیفته، سلوک دینی، منش شخصی، فقهی، دینی و سیاسی در حل مشکلات جامعة اسلامی ویژگی یگانه‌ای است. حضور امام رضا (ع) از بدو ورود به ایران و بارگاه مقدّسش در این سرزمین اسباب خیر و برکت و منشأ خیرات و مبرات بوده و هست. بارگاه ملکوتی امام (ع) محل نزول ملائک مقرب الهی است و در برخی روایات ثواب زیارت حضرت برابر با 70 حج شمرده شده‌ است(بابلی، 1388: 150) و نشانه‌شناسی شخصیّت از مباحث مهم در الگوی هامون است.

2-4-1-1. نام‌شناسی شخصیّت امام رضا (ع)

نام در نام‌شناسی شخصیّت به مثابة دالّ اهمیّت بسزایی دارد و «نام‌شناسی علمی است که به بررسی، تحلیل و ریشه‌یابی در صورت صوری و معنایی نام‌ها می‌پردازد. این رشته، امروزه یکی از شاخه‌های فرعی زبان‌شناسی محسوب می‌شود. از زمان‌های قدیم، محققان و نویسندگان، علاقه‌مند به ریشه‌یابی نام‌ها و در پی ایجاد پیوند و رابطه میان اسم‌ها با مأخذ غیر اسمی»(اسدی، 1389: 14) بوده‌اند. از طرفی «اسم خاص باعث می‌شود که شخصیّت، بیرون از مشخصه‌های معنایی‌اش وجود داشته باشد؛ مشخصه‌هایی که مجموعۀ آن‌ها، کل شخصیّت را می‌سازد. خواننده به کمک اسم خاص به هستی شخصیّت داستان دست پیدا می‌کند. مشخصّه‌های معنایی شخصیّت، تنها سرآغاز راه اوست، جاده‌ای است که به معنا می‌رسد»(اخوت، 1371: 165). نام مبارک امام رضا (ع)، به قول همگان «علی» است و ایشان در میان اهل بیت (ع) سومین کسی است که پس از امام علی (ع) و امام سجاد (ع) «علی» نامیده شده ‌است. رضا در لغت به معنای خشنودی و ضد سخط است و به معنای اختیار کردن نیز آمده‌ است و اصل این ماده به موافقت میل آدمی به آنچه با آن مواجه است، دلالت دارد(راغب اصفهانی، 1387، ج 2: 80). کلمة رضا در اصطلاح عبارت است از ترک اعتراض بر مقدرات الهیّه در باطن و ظاهر، قولاً و فعلاً به گونه‌ای که بنده مقامی بیشتر از آنچه خدا آن را قرار داده ‌است، طلب نکند که این خود بالاترین درجه‏ تکامل است؛ زیرا تکامل دارای درجاتی است؛ اوّل: صبر، دوّم: تنزیه خداوند، سوّم: سپاس و ستایش پروردگار، چهارم: رضا به قضای الهی(نراقی، 1371: 612). در نام مبارک امام رضا (ع) گفته‌اند: «کنیه‌اش ابوالحسن و القابش رضا، صابر، رضیّ و وفیّ است که مشهورترین آن‌ها رضا می‌باشد»(عطائی، 1392: 14) و لقب رضا را پیامبر اکرم (ص) به علی بن موسی (ع) داده ‌است(همان: 16). امام جواد (ع) در جواب سوالي که چرا پدر شما را رضا ناميده‌اند، فرموده ‌است: «زيرا مرضي (= مورد رضايت) خدا در آسمان و مرضي رسول خدا و ائمه او در زمين بود»(ابن بابویه، 1378، ج 2: 320) و نیز پرسیده می‌شود، مگر باقي پدران شما مرضي خدا و رسول نبودند؟ که امام (ع) می‌فرماید: «چرا، امّا فقط پدرم بود که مرضي موافقان و مخالفان قرار گرفت»(همان). داوری لقب‌های امام رضا (ع) را در کنش‌های گفتاری، رفتاری و صفاتی آورده که با معانی واژة امام رضا (ع) در ترانه‌هایش هم‌خوانی دارد، چنانکه استفاده از نشانة نام حضرت خشنودی و نشاط را برای کودک در پی دارد که هدف شاعر جلب خشنودی و شادی امام (ع) است: «اتلک، تی تلک/ چی خریدم؟ یه بادبادک/ کاشکی بره توی هوا/ رو گنبد امام رضا/ دعا کنه برای من/ بوسش کنه به جای من»(داوری، 1395: 6). رضا در ترانه‌های داوری بیشتر برای تکریم و بزرگداشت آمده و نوعی توسل و اتکا به منبع لایزال را به تصویر کشیده ‌است: دویدم و دویدم/ یه دونه خونه دیدم/ ساعت و نقاره داشت/ تو حوضا فواره داشت/ گنبدش از طلا بود/ خونه امام رضا بود(داوری، 1395: 4) که نشانه‌های «نقاره» و «گنبد طلا» پیش از ذکر لقب «رضا» ذهن مخاطب را برای دریافت هدف شاعر آماده می‌کند. شاعر با استفاده از نشانه‌هایی مانند: شلوغی حرم امام رضا (ع) محبوبی ایشان را در ترانه‌هایش توصیف کرده‌است: «چه روزی می‌شه؟ فردا/ سرش شلوغه آقا»(داوری، 1395: 12) و «آقا» برنامی برای امام رضا (ع) است که داوری بدان اشاره کرده و با آن آرامش و اطمینان قلبی به کودک می‌دهد، چنانکه لحن و بیان صمیمی و گرم شاعر احساسات کودکانه را در این اشعار به ‌خوبی آشکار کرده و حس درونی کودک را در این الگوسازی نشان دهد که با تمام وجود به الگوی خویش اتکا کرده ‌است: «پوتی پوتی پوتی، پنبه/ می‌رم حرم چارشنبه/ چه روزی می‌شه؟ فردا/ سرش شلوغه آقا/ شلوغ واسه چی می‌شه؟/ روز زیارتی شه»(همان: 12).

همچنین لفظ «آقا» نشانه‌ای برای بیان توجه و مهربانی حضرت است که بار عاطفی و اجتماعی دارد و نشانة خاستگاه فکری شاعر است که کودک را به مذهب و شخصیّت امام (ع) نزدیک می‌کند. در واقع کودک احساس و شادی درونی خویش را از زیارت امام (ع) با استفاده از نشانه‌هایی چون «کفش‌های جدید»، «نشان دادن به آقا» تبیین کرده‌ است: «دیلیم، دلوم، دلامه/ کفشای نو به پامه/ کفشای من جدیده/ بابام برام خریده/ می‌رم حرم با اونا/ نشون می‌دم به آقا»(داوری، 1395: 12). واژة رضا با مهربانی همراه است که اگر محبت حاصل شود، رضایت هم حاصل می‌آید و چون رضا متعلق به محبوب است، این محبت به رضای الهی از قضا و قدر می‌انجامد، زیرا دوست برای دوست جز خیر نمی‌خواهد(هئیت، 1390 :535). بر این اساس مهربانی و محبت با لفظ و نام مبارک امام رضا (ع) همدوش است که داوری احساسات کودک را با استفاده از آن برانگیخته و جایگاه امام (ع) را در قلب کودک پایدار کرده ‌است: انوره و منوره/ امام رضا چه جوره/ بزرگ و مهربونه(داوری، 1395: 4).

2-4-1-2. جایگاه نحوی و بلاغی نام امام رضا (ع) در هاچین و واچین

نام امام رضا (ع) کاربردهای نحوی و بلاغی گوناگونی در اشعار داوری دارد که ترکیب «امام رضا» با بسامد 5 بار نقش مضاف‌الیهی دارد: «کاشکی بره توی هوا/ رو گنبد امام رضا»(داوری، 1395: 6). واژة آقا بدل از امام رضا (ع) با بسامد 7 بار تکرار شده و آوردن نام و برنام امام رضا (ع) نشانۀ تأثیر حضور حضرت چنان یک نماد عینی از صفات بشری در ذهن کودک است: «روشن شدن چراغا/ ما رو می‌بینه آقا»(همان: 10).

بعد بلاغی نام و برنام امام رضا (ع) از فعل رَضِيَ: رُضاً و رِضًا و رُضًى و رِضًى و رُضْواناً و رِضْواناً و مَرْضَاةً (رضو) عنهُ و عليهِ: از او راضى شد. اين واژه ضد ( سَخَطَ ) است؛ «رَضِيَ اللّهُ عن فُلان و رُضِيَ عنهُ؛ خداوند از وی راضى و خوشنود است. در واقع در اشعار داوری بیشتر رضایت و خشنودی امام (ع) مطرح است، چون شاعر با استفاده از احساسات پاک کودکانه در پی یافتن رضایت و خشنودی امام (ع) است: «نخش کلاف کلافه/ قالی باهاش می‌بافه/ وقتی تموم شه فردا/ هدیه میده به آقا»(داوری، 1395: 8). بنابراین، کنش گفتاری و رفتاری امام رضا (ع) بیانگر شخصیّت بی‌نظیر آن حضرت برای انسان و به ویژه کودکان‌ است. کنش‌هایی که گویای سخاوت، کرامت، دیانت، رحمت، عطوفت، بصیرت و آگاهی است و مجموعه این عوامل مستقیم یا غیر مستقیم می‌تواند پرورش‌ دهندۀ یک ذهن مطلوب گردد. به طور کلی نشانه‌شناسی ادبی شخصیّت باعث شناخته شدن ریشه‌های عمیق یک شخصیّت می‌گردد و این امر زمانی محقق می‌شود که صفات رضوی و کارکردهای آن بتواند به خوبی پرده از اسرارش بردارد و همگان با دیدی باز از آن بهره گیرند.

2-4-2. شخصیّت امام رضا (ع) به مثابة مدلول در «هاچین و واچین»

شخصیّت و ویژگی‌های آن نقشی حیاتی در ترانه‌های کودکانه با هدف رشد کودک ایفا می‌کند؛ چنانکه داوری زمینة رشد فکری و تربیتی کودک و نوجوان را با بهره‌گیری از شخصیّت امام رضا (ع) در صفات و نشانه‌هایی مانند بخشش، فداکاری، محبت، کرامت و شفاعت فراهم کرده و توانسته ‌است، احساسات لطیف کودکی را با زبانی نرم و زیبا در ادب شفاهی نشان دهد؛ همچنین وی اثرپذیری تربیتی اخلاقی کودک را از سیره و سیمای امام رضا (ع) به تصویر کشیده و الگوی مطلوبی ارائه داده‌ است.

2-4-2-1. بخشش امام رضا (ع)

داوری بخشش و مهربانی امام رضا (ع) را با زبانی کودکانه سروده که رویکردی خداباورانه در این عاطفة رضوی دارد. «نیکی و بخشش امام (ع) برای این نیست که دوستی دیگران را به دست آورد و آنان را به جانب خود بکشاند، بلکه به اعتبار این است که کرم و بخشش، خویی پسندیده است که انسان را به پروردگارش نزدیک می‌سازد»(فضل‌الله، 1379: 68). شاعر بخشش امام (ع) را در واژگانی گرم و عامیانه چون «خیلی هوامو داره»، «جاش توی آسمونه» سروده‌است: «انوره و منوره/ امام رضا چه جوره؟/ بزرگ و مهربونه/ جاش توی آسمونه/ خواب نداره، بیداره/ خیلی هوام و داره»(داوری، 1395: 4). بر این اساس، شاعر سیمای غیر قابل وصف امام رضا (ع) را با این هدف که دریافت حقیقت اوصاف رضوی برای ما قابل درک نیست، امّا حسب نیاز تلاش خواهیم کرد تا ذهن خود را به فهم اوصافش نزدیک کنیم، در پرسشی هنری مطرح کرده‌ است. داوری ذهن کودک و نوجوان را درگیر پرسش از شخصیّت حضرت کرده و بلافاصله در پی پاسخ به ذهن آماده وی برمی‌آید و به وی پاسخ می‌دهد که حضرت جایگاهی متعالی دارد؛ مهربان است، پیوسته بیدار و بهره‌مند از علم لدنی و آن سری است و مراقب و حامی مستحکمی برای کودکان است. بر این اساس، شاعر حضور مداوم امام رضا (ع) را در نشانه‌های «بیداری» و «هوای کسی را داشتن» برای کودکان باورپذیر کرده‌ است.

کودکان احساس دلتنگی را از روی علاقة مفرط به دیگران درک می‌کنند؛ چنانکه شاعر دلتنگی‌های وی را با بهره‌گیری از نشانة گنبد طلایی حضرت که خانة مألوف قلب‌های عاشقان و گشایش گره از کار آنان است، با زبان عامه برای مخاطب تصریح کرده و در ترانه‌هایش به تصویر کشیده‌ است. چون امام رضا (ع) منشأ خیرات و واسطة روزی کائنات نزد خداوند است، داوری تلاش کرده، ذهن کودک را با پرسشی ترغیب کند تا پاسخ را با ذکاوت بیشتری از وی دریابد. شاعر دلتنگی کودک را با دوری از امام رضا (ع) مرتبط می‌داند و لحنی عامیانه را در ترانه‌هایش برگزیده تا بتواند کودک را تحت تأثیر سخنان خویش قرار دهد: «دوو دوو افن دوو/ امام رضا خونه‌ش کو؟/ خونه‌ش توی مشهده/ پشت بومش گنبده/ وقتی دلم تنگ می‌شه/ می‌رم خونه‌ش همیشه»(داوری، 1395: 5) و ویژگی‌های امام رضا (ع) را بدین هدف برشمرده ‌است.

بخشش امام رضا (ع) به عنوان یک نشانه برای الگوگیری کودک آمده‌ و شاعر این نشانه را با عملکرد «دارم دو تا گوشواره» نمایش داده که نشان دهندۀ تمام دارایی یک کودک است. داوری تلاش می‌کند اثرپذیری کودک را از الگوی سیمای امام رضا (ع) با استفاده از الفاظی مانند «می‌ندازم اونو فردا/ توی ضریح آقا» به نمایش بگذارد. الگوپذیری از شخصیّت امام (ع) و صفت بخشش و کرامت ایشان ذهن کودک را درگیر کرده ‌است: اقاره و مقاره/ دارم دو تا گوشواره/ گوشواره‌هام قشنگه/ نگینش آبی رنگه/ می ندازم اونو فردا/ توی ضریح آقا(داوری، 1395: 8). لطف همگانی امام رضا (ع) و رحمت عام حضرت دیگر صفتی است که شاعر آن را با زبان عامه بیان کرده ‌است: «روشن شدن چراغا/ ما رو می‌بینه آقا»(همان: 10). این نشانۀ لطف و عاطفة عمومی حضرت است.

2-4-2-2. سنت نامه‌نگاری با امام رضا (ع)

باور عامیانه یک پدیدۀ روحی- اجتماعی است که معلول زندگی آدمی و عکس‌العمل وی در مقابله و جدال با طبیعت و محیط اسرارآمیز پیرامون وی است. آدمی آن‌گاه که نمی‌توانست رابطۀ منطقی بین حوادث و پدیده‌های خارق‌العاده بیابد، برای رهایی از آن به ذکر اوراد و نجواها می‌پرداخت تا بدین ترتیب مصیبت‌ها را کاهش دهد(الهامی، 1385: 104). سنت نامه نوشتن و شرح احوال به یکی از شخصیّت‌های مذهبی امروزه توجه بسیاری از مردم را به خویش جلب کرده ‌است. نامه‌نگاری به محضر امام رضا (ع) برای یاری‌جستن و سازندگی روحى و معنوی است. درخواستی که قلبى، لفظى یا کتبى و راهى براى ارتباط با حضرت است که بیشتر در گرفتارى‌ها و بیان حاجات کاربرد دارد و نشانه‌ای از لطف امام (ع) به عنوان محرم اسرار مردم است. شاعر از نشانه‌های «هر چی که تو نامه بود» و «اون می‌خونه زود زود»، بهره برده و صفت عالم و آگاه بودن آل محمد (ص) را که ویژگی برجستة سیمای امام رضا (ع) است، در شعرش آورده تا مخاطب (کودک و نوجوان) آمادگی دریافت و فهم این ویژگی رضوی را داشته ‌باشد؛ در واقع شاعر با استفاده از نشانه کردن این باور عامیانه توانسته است ذهن کودک را متوجه شخصیتی صاحب کرامت کند که از راز دل‌ها آگاه است: تو نامه چی نوشتی؟/ بندازش اون و این‌جا/ توی ضریح آقا/ هر چی که تو نامه بود/ اون می‌خونه زود زود»(همان: 13).

2-4-3. تحلیل کنش‌های گفتاری و رفتاری امام رضا (ع) در «هاچین و واچین»

یکی از اهداف آفرینندگان ادب کودک و نوجوان، معرفی الگویی مناسب از شخصیّت‌های دینی و ملی با زبان هنر و بهره‌مند از جذابیت‌های شاعرانه برای شناخت کودکان و نوجوانان از منش‌های اخلاقی، کنش‌های رفتاری، راه و روش صحیح زندگی، اندیشه و تفکّر است، چون کودکان و نوجوانان در سنين کودکي از ویژگی‌های ذهني و روحي محدودی بهره‌مند هستند که پژواک انديشه‌هاي سادة آنان است و این فضای ذهنی آمادگی بیشتری برای یادگیری آموزه‌های تعلیمی دارد(فضل‌الله، 1379: 135). بنابراین، کنش‌های گفتاری و رفتاری و سیمای عملی و حکمت اخلاقی امام رضا (ع) همواره منشأ زلالی برای کودکان بوده که در «هاچین و واچین» زهرا داوری تبلور یافته ‌است و می‌توان شناختی درست و دقیق از شخصیّت حضرت با استفاده از نشانه‌شناختی شخصیّت و نیز واقعیّت داستان‌های رضوی در هاچین و واچین به ‌دست آورد.

2-4-3-1. کنش گفتاری

کنش‌های گفتاری همانند یک روش قراردادی برای بیان و تحقق نیّت‌هاست و فیلسوفان بر این باورند که یکی از کاربردهای زبان، بازنمایی جهان است؛ یعنی نشان دهد که چه هست و چه نیست. بر این اساس، شناخت و معرفی حقیقت مفهوم مرکزی فلسفۀ زبان است و در چنین مواردی، گفتن برابر با کنش است، چون گوینده با بر زبان آوردن هر جمله کاری انجام می‌دهد(زرقانی، 1391: 63). بنابراین، گفت‌وگوهای مکرّر کودک با امام رضا (ع) و بیان احساسات پاک کودکانه نسبت به حضرت در ترانه‌های داوری نشانۀ شخصیّت متعالی و وارسته‌ای است که کودک چنان الگویی ارزشمند برای رشد تربیتی و مذهبی خود برگزیده است. در واقع گفت‌وگوهای ذهنی کودک با امام رضا (ع) بیانگر کنش گفتاری وی است که کودک در این گفت‌وگوها نقش امام (ع) را در تصمیم‌گیری‌های خویش بی‌تأثیر نمی‌داند. شاعر با نشانه‌هایی چون «کفش‌های من جدیده»، «نشون می‌دم به آقا» سعی داشته الگوگیری کودک را از یک شخصیت مهربان و حامی به تصویر کشد: کفشای من جدیده/ بابام برام خریده/ می‌رم حرم با اونا/ نشون می‌دم به آقا(داوری، 1395: 12).

گاهی افراد برای تحقق آرزوها و حاجات خود نذری می‌دهند و نذری یک نشانة دینی است که در ترانه‌های داوری نشانة هدیه و پیشکش به یک شخصیّت مقدّس است، چون نذر به معنی عهد و پیمان و چیزی یا کاری بر خویشتن واجب کردن است که نقدی یا جنسی به نیّت حاجت روا شدن به زاهدی یا سیّدی یا به تربت کسی از اولیا و ائمه پیشکش می‌کنند(دهخدا، 1377، 19805) و یکی از نمودهای عینی نذر در فرهنگ عامه، نذر کردن به آستان مبارک امام رضا (ع) است که داوری با نشانه کردن «نذر کردن بعبعی» یک رسم کهن را بیان می‌کند که کودک با تکیه بر اعتقاد فطری مذهبی خود بعبعی را نذر امام رضا (ع) کرده و با شیرین‌زبانی خواستار جلب محبت حضرت است: «هلیله و ملیله/ ببعی کجاست؟ طویله/ چاق شده، دنبه داره/ شکم قلنبه داره/ بهش می‌گم: حنایی!/ نذر امام رضایی»(داوری، 1395: 10).

هنگام طلب حاجت، بستن چیزی به ضریح امام معصوم (ع) را دخیل بستن گویند که مراد همان توسل به امام (ع) برای شفاعت است تا خداوند حاجت خواهنده را برآورده سازد. شکل‌های دخیل بستن در باورهای عامه متفاوت است و به آداب و رسوم هر قوم و عاطفة فردی آن‌ها بستگی دارد. وقتی صحن عتیق (انقلاب) در دورۀ صفویه با طرح شیخ بهایی ساخته شد، ملامحسن فیض کاشانی حکیم، فیلسوف، عارف و شاعر پیشنهاد داد، برای کسانی که به هر دلیل نمی‌توانند وارد حرم شوند، کنار ضریح فضایی طراحی شود که بتوانند در نزدیک‌ترین فاصله از ضریح بایستند و ضریح امام رضا (ع) را ببینند و زیارت‌نامه بخوانند. بنابراین در محلی که مشرف به ضریح مطهر بود، پنجرهای فولادی نصب شد که از آن پس به «پنجره فولاد» معروف شد(جعفریان، 1370: 123)، پنجره‌ای که نماد کرامت و نشانة باز کردن گره‌های بستۀ زندگی زائران است و عامۀ مردم به آن دخیل می‌بندند.

ماجرای پنجره فولاد و دخیل بستن به ضریح امام رضا (ع) نشانه‌ای از کنش گفتاری است. این نشانه از آموزه‌های دینی و مذهبی در شریعت اسلامی و مذهب شیعه نشانة توسل به معصومین (ع) است که داوری پنجره فولاد را که نشانة حاجت‌روایی نیازمندان است، در ترانه‌های خود آورده و بر اساس این باور، ذهن کودک را با تکیه بر نشانه‌های «پنجره فولاد قشنگ» و «گاهی بهش واسه شفا/ طناب می‌بندن آدما» به حاجت گرفتن از کرامت رضوی معطوف کرده‌ است: «الک، دولک، الاکلنگ/ پنجره فولاد قشنگ/ مثل ضریح، طلایی یه/ بوی گلابش عالیه/ گاهی بهش واسه شفا/ طناب می‌بندن آدما»(داوری، 1395: 11).

نقاره نواختن از قديم در آستان مقدس امام رضا (ع) معمول بوده‌ است، اما اينكه از چه زمانى آغاز شده و به صورت يك سنّت درآمده، موضوع دیگری است. نقاره نوعی نشانه و گفت‌وگوی امام (ع) با زائران است که آنان را به کرامت دینی و مذهبی رهنمون می‌سازد: «اقاره و مقاره/ باز صدای نقاره/ کاشکی برم اون بالا/ کنار اون خادما/ وقت اذان زود زود/ بگم: دودود دودود دود»(داوری، 1395: 9). واژه‌های «اقاره و مقاره» زمینة گفتن «نقاره» و شنیدن صدای آن را فراهم کرده و نشانه‌های «صدای نقاره» بیداری و آگاهی‌بخشی، «برم اون بالا» نشانة عروج‌طلبی، «کنار خادما» نشانة تواضع عزتمند، وقت اذان نشانة گزینش بهترین زمانی برای صفای روح و «دودود دودود دود» نام‌آواهایی است که صدای نقاره و تلاش دوباره برای نصایح حضرت را در گوش تداعی می‌کند.

زیارت از مناسک مذهبی و دینی است. «اگر حتّی یک روایت در فضیلت زیارت معصومان (ع) صادر نشده‌ بود، ادب در برابر آنان، مومنان را وامی‌داشت تا به زیارت حرم مطهرشان مشرّف شوند و افزون بر عرض ارادت و شیفتگی خود از دریای معنویت بی‌بدیل و ناپیداکرانة آن‌ها جرعه‌ها نوشند و روح خود را با نزدیک ساختن به آن ارواح بلند و بی‌نظیر شاداب سازند»(حسینی، 1386: 20). معنای عام زیارت «سفر به اماکن مقدس به قصد کسب فضیلت معنوی، استغفار یا شکرگزاری»(برنز، 1385: 42) است. باوری نمادین که داوری تلاش کرده خوشحالی یک کودک را از زیارت در نشانه‌ای از کنش گفتاری توصیف کند: «پوتی پوتی پوتی، پنبه/ می‌رم حرم چهارشنبه/ چه روزی می‌شه؟ فردا/ سرش شلوغه آقا/ شلوغ واسه چی می‌شه؟/ روز زیارتی شه»(داوری، 1395: 12). شاعر نشانه‌های گفتاری زیارت را چنان آورده که بتواند در یکایک واژه‌ها، عاطفة شادی و نشاط کودک را مطرح کند تا سیمای حضرت را با این حسّ شادی در ذهن مخاطب (کودک) جای دهد. داوری سیمای امام رضا (ع) را با بهره‌گیری از زبان نمادین شعرش برای کودک تشنة معرفت چنان زیبا سروده ‌است که کودک و نوجوان با ویژگی‌های رحمانی و انسانی حضرت پیوندی عمیق برقرار سازد.

2-4-3-2. کنش‌های رفتاری

کنش‌های رفتاری یک شخصیّت می‌تواند از عناصر برجستة اثرگذار بر رویکرد شکل‌گیری داستان، شعر و روایت باشد؛ چنانکه داوری کنش‌های رفتاری کودک را با اثرپذیری از شخصیت امام رضا (ع) با زبانی عامیانه و پرشور در ترانه‌های کودکانة خود اغلب با پرسشی آورده و سپس خود به آن پاسخ داده ‌است.‌ محبت و بخشش امام رضا (ع) از مشخصه‌های اصلی آن حضرت است که شاعر آن را از زبان کودک ‌سروده و چنان سمبلی برای بزرگ‌سالان، کودکان و نوجوانان با بیانی بلاغی آورده و مخاطب آن را به عنوان الگویی برجسته پذیرفته ‌است. شاعر مهربانی و اجابت دعای امام رضا (ع) را با تأکید بر نشانه‌های «نامه نوشتن» و پاسخ گرفتن زائران در ترانه‌هایش سروده ‌است که کنش رفتاری حضرت را تبیین کرده و بر لطف بی‌کرانش تأکید می‌کند: هر چی که تو نامه بود/ اون می‌خونه زود زود(داوری، 1395: 13) و نیز: اقاره و مقاره/ دارم دو تا گوشواره/ گوشواره‌هام قشنگه/ نگینش آبی رنگه/ می‌ندازم اون و فردا/ توی ضریح آقا(داوری، 1395: 8).

وجود مبارک امام رضا (ع) پرخیر و برکت است و زوج‌های جوان برای داشتن زندگی خوب، مراسم عقد خویش و زندگی مشترک خود را در بارگاه مقدّس رضوی برگزار می‌کنند و داوری این رویکرد را در زاویة نگاه ریزبین خود دیده ‌است: «السون و ولسون/ خوش‌ به حال خواهرجون/ عروسی کرده این‌جا/ پیش ضریح آقا/ منم مث خواهرم/ عروس می‌شم تو حرم»(داوری، 1395: 15). رویکرد نشانه‌معناشناسی نشانه‌های این مصرع‌ها گواهی بر مهربانی حضرت در پذیرش مهمانان و پذیرایی از آنان با رایحة روح‌نواز مهربانی است که کودک در آرزوی دریافت آن است و مایل است که جشن عروسی‌اش را در جوار بارگاه رضوی بگیرد تا خوشبخت و سعادت‌مند شود.

1. نتیجه‌گیری

شخصیّت امام رضا (ع) الگویی متعالی برای کودکان است و الگوی هامون که دارای مؤلفه‌های مانند: نام، توصیف‌ها، کنش‌های رفتاری (کارکرد بازیگرانه) و کنش‌های گفتاری است، نشانه‌شناسی ادبی شخصیّت را مطرح کرده تا سیمای شخصیّت را در گونه‌های ادبی تبیین کند. پژوهش پیش روی از الگوی هامون بهره گرفته و سیره و سیمای امام رضا (ع) را در ترانه‌های زهرا داوری کاویده ‌است؛ شخصیّت امام رضا (ع) از دو جهت دالّ و مدلول با تکیه بر الگوی هامون در ترانه‌های داوری بررسی شده ‌است؛ چنانکه صفات امام رضا (ع) از جهت دالّ یعنی نام‌شناسی نشانۀ هم‌گامی نام حضرت با شخصیّت والای ایشان و هماهنگ با عشق، شفاعت، کرامت، محبت و رضایت است و عمق شخصیّت مهربانش با شناساندن نام و برنامش برای کودکان تبیین شده ‌است.

کنش‌های گفتاری و رفتاری که کودک از شخصیت امام رضا (ع) وام گرفته، نشانۀ احساسات درونی وی است و نشانه‌های الگویی در ترانه‌های رضوی داوری ‌چون: «ما رو می‌بینه آقا»، «نشون می‌دم به آقا» و ... نشانۀ عشق خالصانة کودک به الگوی بخشش و صاحب کرامت خویش است. داوری با استفاده از ترانه‌های کودکانة رضوی توانسته‌ است، شخصیّت والای امام (ع) را با زبانی صمیمی معرفی کند؛ چنانکه کنش رفتاری و گفتاری امام رضا (ع) از زاویة مدلول مبیّن شخصیّت حضرت است؛ یعنی کنش رفتاری حضرت شخصیّت رئوف، دلسوز و نیز کرامت و شفاعت ایشان را توصیف می‌کند. بنابراین، مهم‌ترین دستاورد نشانه‌شناسی شخصیّت امام رضا (ع) در ترانه‌های زهرا داوری شناخت بصیرت عمیق حضرت چنان الگویی متعالی در رشد شخصیّت دینی و تربیتی کودکان است. شاعر ساحت‌های اخلاقی و گفتاری مناسبی را با استفاده از کنش‌های رفتاری و گفتاری شخصیّت امام رضا (ع) برای کودک مهیا کرده تا کودک با استفاده از این الگوی مطلوب به تربیت اخلاقی و مذهبی برسد.

منابع و مآخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی. (1378). ***عیون اخبارالرضا***. ج 2. قم: مطبعه الاسلامیه.

- احمدی، بابک. (1375). ***ساختار و تاویل متن***. ج 1. چاپ سوم. تهران: مرکز.

- اخوت، احمد. (1371). ***دستور زبان داستان***. اصفهان: فردا.

- الهامی، فاطمه. (1385). «انعکاس باورهای عامیانه و عقاید خرافی در شعر». ***پیک نور***. دوره 5. ش3. صص: 104- 114.

- استون، الین و ساوانا، جرج. (1382). «نشانه‌شناسی شخصیّت». مترجم: داوود زینلو. *مجله هنر*. ش 55. صص: 48- 63.

- اسدی، سعید و فرهنگ، فربد. (1389). «نشانه‌شناسی نام شخصیّت‌های نمایشی در نمایش‌نامه مرگ فروشنده». ***نشریۀ هنرهای زیبا- هنرهای نمایشی و موسیقی***،ش 39. صص: 13-23.

- بابلی، کورش. (1388). «نقش امام رضا (ع) در فرهنگ و تمدن تشیع و ایران». ***مجلة پیام***. ش 98. صص: 132-151.

- برنز، پیتر. (1385). ***درآمدی بر مردم‌شناسی گردشگری***. ترجمۀ هاجر هوشمند. چاپ دوم. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

- جعفریان، رسول. (1370). ***دین و سیاست در دورۀ صفوی***. قم: انصاریان.

- حسینی، سیدعلی. (1386). «فرهنگ و ارزش/ فضیلت و پاداش زیارت امام رضاعلیه السلام». ***مجلۀ فرهنگ جهاد***. ش49. صص: 20-43.

- حمداوی، جمیل. (2015). ***الاتجاهات السیمیوطیقیۀ***. بیروت: المنظمه العربیه للترجمه.

- داوری، زهرا. (1395). ***هاچین و واچین***. مشهد: بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع).

- \_\_\_\_\_\_\_. (1395). **خبرگزاری فرهنگ رضوی**. مصاحبه (29/8/1395).

- دینه سن، آنه ماری. (1380). ***درآمدی بر نشانه‌شناسی***. ترجمة مظفر قهرمان. آبادان: پرسش.

- دهخدا، علی‌اکبر. (1377).***لغت‌نامه***. ج16. زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (1387). ***ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن***. ترجمه و تحقیق همراه با تفسیر لغوی و ادبی قرآن از غلامرضا خسروی حسینی. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.

- زرقانی، سیدمهدی؛ اخلاقی، الهام. (1391). «تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریۀ کنش گفتار». ***فصلنامه ادبیات عرفانی دانشگاه الزهرا***. س سوم. ش6. صص: 62-80.

- سیدرضایی، طاهره؛ حسنی، طاهره. (1390). «تجلی خدا در شعر کودک و نوجوان». ***کتاب ماه کودک و نوجوان***. س پانزدهم. ش171. صص: 79- 88.

- شرف‌شاهی، کامران. (1394). «نقش و جایگاه شعر کودک و نوجوان رضوی**»**. ***روزنامة اطلاعات***. 28/5/94.

- طاهری‌نیا، علی‌باقر؛ حیدری، زهره. (1393). «ساختار نشانه‌ای شخصیّت حضرت مریم (س) در قرآن کریم». ***فصلنامه لسان مبین*** (پژوهش ادب عربی). س پنجم. ش 15. صص: 45- 64.

- عامری، محمدعلی و دیگران. (1395). «نشانه‌شناسی ادبی شخصیّت فرعون در قرآن کریم». ***فصلنامة پژوهش‌های ادبی- قرآنی***. س چهارم. ش 2. صص: 144- 165.

- عطائی، محمدرضا. (1392). ***امام رضا (ع) در آثار دانشمندان اهل سنت***. چاپ سوم. مشهد: به نشر

- عیاشی، منذر. (1429ق). ***العلاماتیۀ و علم النص***. دمشق: دارالمحبۀ.

- فضل‌الله، محمدرضا. (1379). «درآمدي بر تربيت ديني با توجه به پيشرفت ادراکات ديني در کودکان و نوجوانان».در ***تربيت اسلامي ويژه تربيت دينی***. به کوشش محمدعلي حاجي ده‌آبادي و عليرضا صادق‌زاده قمصري. تهيه و تنظيم مرکز مطالعات تربيت اسلامي وابسته به معاونت پرورشي وزارت آموزش و پرورش. تهران: تربيت: 123- 142.

- محمدی رفیع، شایا. (1384). «شخصیّت‌پردازی در شعر کودک». ***کتاب ماه کودک و نوجوان***. ش 99. صص: 55- 62.

- نراقی، ملااحمد. (1371). *معراج‌السعاده*. ج 1. تهران: هجرت.

- هامون، فیلیپ. (1990). ***سمیولوجیۀ الشخصیات الروائیۀ***. ترجمۀ سعید بنگراد. (د، ط). المغرب: دارالکلام.

- هئیت، محمدامین. (1390). ***اخلاق اسلامی***. ج 1. تهران: دارالانصار.

1. Ferdinand de Saussure [↑](#footnote-ref-1)
2. Sanders Peirce Charles [↑](#footnote-ref-2)
3. Propp [↑](#footnote-ref-3)
4. Philip Hamon [↑](#footnote-ref-4)
5. signe [↑](#footnote-ref-5)
6. signifier [↑](#footnote-ref-6)
7. Signified [↑](#footnote-ref-7)